هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



مسلمان واقعی هیچ مشکلی با دنیا و جهان متمدن ندارد و جهان متمدن هم مشکلی با دین و با متدینان واقعی ندارد.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ۳۱ ۸ قوس ۱۳۹۳ ۶ صفرالمظفر ۱۴۳۶ 29 Nov 2014

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان با بزرگان ولایت نورستان دیدار و گفتگو نمود



محتـرم صـلاح الـدین ربـانی رئـیس جمعیـت اسـلامی افغانسـتان و رئـیس شـورای عـالی صـلح روز چهارشـنبه ۵ قـوس بـا بزرگـان و متنفـذین ولایـت نورسـتان دیـدار و گفتگو کرد.

طـی ایـن دیـدار رئـیس جمعیـت اسـلامی افغانسـتان متنفـذین ولایـت نورسـتان را خیرمقـدم گفتـه نقـش و جایگـاه مـردم نورسـتان را در برهـه هـای تـاریخ افغانسـتان بـه ویـژه در دوره هـای جهـاد ومقاومـت برحـق مـردم علیـه اشغالگران، ستود.

آقـای ربـانی سـخنان نماینـدگان و بزرگـان ولایـت نورسـتان را شـنید و آنـان را در زاسـتای رسـالت و مسـوولیت های بعدی (حزبی، میهنی و ساختاری) هدایت داد.

نورسـتان یکـی از ولایـت هـای محـروم امـا غنـی از منابع طبیعی در شرق کشور می باشـد کـه نقـش بـه سـزایی در تـأمین امنیـت و توسعهٔ اقتصـادی بـه سـطح کـل کشـور دارد. اما طی سیزده سـال گذشـته مـورد کمتـرین توجـه قـرار گرفته و مـردم ایـن ولایـت از ارائـهٔ خـدمات حکـومتی کمتـر بهـره بـرده انـد. نورسـتان بـا پاکسـتان همسـایهٔ شـرقی مـا سـرحد دارد و هـر از گـاهی مـورد تاخـت و تـاز نظامیـان آن کشـور و تروریسـتانی کـه از سـوی حلقـات خـاص پاکسـتانی حمایت می شوند، قرار می گیرد.

برنامهٔ صلح حکومت وحدت ملی

□ وحید مژده

اشـرف غنـی احمـدزی در جریـان کمپـاین انتخابـاتی خـود تـلاش در جهـت رسـیدن بـه صـلح در افغانسـتان را بعنـوان نخسـتین اولویـت کـاری خـود در صـورت رسـیدن بـه قـدرت عنـوان کـرد و حتـی در جریـان انتخابـات شـایعاتی در جریـان بـود کـه گویـا طالبـان در بعضـی از ولایـات نـه تنهـا مـانع مـردم بـرای رفـتن بـه صـندوق هـای رای گیری نشدند، بلکه به نفع اشرف غنی نیز کمپاین نمودند.

مـردم افغانسـتان نیـز کـه در طـول چنـدین دهـه بـار یـک جنـگ خونین و مصیبت بار را بـدوش کشـیده بودنـد بـه ایـن امیـد بودنـد کـه حکومـت جدیـد بتوانـد در مسـیر صـلح و ثبـات در کشـور گـام بـردارد. رئیس جمهور غنی نیز بارها به ایـن نکتـه تاکیـد نمـوده بـود کـه بـدون صـلح و امنیـت در افغانسـتان، هـیچ برنامـه ای بـه منظـور پیشـرفت در این کشور قرین موفقیت نخواهد بود.

وقتـی رئـیس جمهـور تـا ایـن حـد بـه اهمیـت صـلح در پیشـرفت کشور بسوی آیندهٔ بهتر معتقد بـود پـس چـرا پیمـان امنیتـی بـا امریکـا را بدون چون و چرا امضا کرد؟

جواب ایـن سـوال شـاید ایـن باشـد کـه یکـی از راه هـای رسـیدن بـه صـلح جنـگ اسـت. در طـول تـاریخ بهانـهٔ هرجنگـی صـلح بـوده و امروز هم دولت جدید به این امید ایـن قـرارداد را بـا امریکـا امضـا کـرد که نیروهـای امنیتـی افغـان از حمایـت امریکـا در جنـگ علیـه طالبـان برخوردار باشـند و بـه ایـن ترتیـب همانگونـه کـه طرفـداران امریکـا در افغانستان قـبلاً هـم تاکیـد داشـتند، بـه طالبـان بایـد از راه جنـگ ایـن حقیقت تفهـیم گـردد کـه آنهـا بـا جنـگ چیـزی بدسـت نمـی آورنـد و باید سلاح بر زمین بگذارند و راه صلح را در پیش گیرند.

در ضـمن رئـیس جمهـور غنـی ماننـد حامـدکرزی راه نزدیـک رسیدن به صلح را کمک پاکستان می داند.

ص۲

وقت گذرانی و بگو مگوها بر سر تعیین کابینهٔ جدید

□ عنایت

منـابع نزدیـک بـه رئـیس جمهـور و رئـیس اجرائیـه گفتـه انـد کـه هـر دو مقـام توافـق کردنـد، تـا ۱۷ وزیـر را در روزهـای نزدیـک و قبـل از رفـتن بـه نشسـت لنـدن جهـت رأی گیـری بـه مجلـس نماینـدگان معرفـی کننـد. بربنیـاد گـزارش هـا، ۹ وزارت مربوط بـه رئـیس جمهـور و ۸ وزارت مربـوط بـه رئـیس اجرائیـه گفتـه شـده اسـت. یـک منبع کـه خواسـت نـام اش گرفتـه نشـود بـه مجاهد گفت: وزارت هـای مالیـه و داخلـه بـه تـیم تحـول و تـداوم و وزارت هـای خارجـه و دفـاع بـه تـیم اصـلاحات و همگرایـی تعلـق گرفتـه اسـت. ایـن منبـع از جزئیـات ایـن توافق چیزی نه گفت.

در حالی‌کـه نگرانـی هـا از تـأخیر در اعـلام کابینـهٔ جدیـد رو بـه افـزایش اسـت، حلقات نزدیک به حکومـت وحـدت ملـی مـی گوینـد کـه در روزهـای نزدیـک رئـیس جمهـور و رئـیس اجرائیـه روی اعـلام کابینـه به توافق نهایی دست خواهند یافت.

ایـن حلقـات مـی گوینـد کـه محمـد اشـرف غنـی و عبـدالله عبـدالله هـر دو سـعی دارنـد، تـا پـیش از برگـزاری کنفـراس لنـدن عدهٔ از اعضـای کابینـه را اعـلام کننـد. سـید آقـا فاضـل سـنچارکی از افـراد نزدیـک بـه رئیس اجرائیه، در تمـاس بـا رسـانه هـا گفتـه است: دیـدگاه میـان رئـیس جمهـور و رئـیس اجرائیـه در خصـوص اعـلام کابینـه بـه هـم نزدیـک شـده اسـت. معـین مرسـتیال فـرد نزدیـک بـه رئـیس جمهـور غنـی نیـز گفتـه اسـت کـه بـر سـر توافـق اعضـای کابینـه تلاش هـا جریـان دارد و در روزهـای نزدیـک نتـایج ایـن تـلاش مـردم در جریـان قـرار خواهنـد گرفـت. از سـوی هـم مجلـس نماینـدگان ادامـهٔ حکومـت کنـونی را غیـر قانونی خوانده است.

عبدالروف ابراهیمـی رئـیس ایـن مجلـس در نشسـت عمـومی گفتـه اسـت کـه کـار سرپرسـت وزیـران بـر اسـاس قـانون پایـان یافتـه و رئـیس جمهـور و رئـیس اجرائیـه مکلف انـد، تـا هرچـه زودتـر کابینـهٔ جدیـد را معرفی کنند.

آقای ابراهیمی در یـک اقـدام کـم سـابقه هشدار داده اسـت کـه اگـر بـه تقاضـای آنـان در زمینـهٔ معرفـی هرچـه عاجـل اعضـای کابینـه توجـه نشـود، اعضـای مجلـس خـاموش نـه نشسـته و صـدای شـان را در برابر حکومت بلند خواهند کرد.

ص۲



د سارک سر مشریزه او افغانستان ته یې ارزښت

۵مخ



حدیث رستم در افغانستان

ص۵



ابعاد یک جنایت

ص۴

تشدید نا امنی های اخیر نگران کننده است

ص۲

امنیتي تړون او ورسره مل د نا امنۍ پرله پسې پیښې

۷مخ

اگر دولت وحدت ملی نمی بود؟

ص۳

از رنجهای که مردم دیده اند...!

ص۶

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کوچه اول سرک لیسه نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

تشدید نا امنی های اخیر نگران کننده است

افزایش نا امنی، حملات انفجاری و انتحاری بخصوص در این اواخر منجر به بروز نگرانی های شدید در میان شهروندان کشورما شده و یقیناً صدمهٔ کلان آن را با گذشت هر روز مردم می بینند و تحمل می کنند. در حملهٔ انتحاری هفتهٔ گذشته یحیی خیل ولایت پکتیکا که بیش از صد تن جوانان و نوجوانان آن دیار در حال تماشا و سرگرم مسابقهٔ والیبال، توسط انفجار شخص انتحاری، کشته و زخمی شدند و بازهم بساط ماتم در کشور ما هموار گردید که سخت درد آور و تکان دهنده است. از بارگاه خداوند جل جلاله برای شهدای این حادثه و شهدای رخدادهای اخیر در کابل و برخی ولایات جنت فردوس و برای مجروحان شفای عاجل از بارگاه احدیت مسئلت می نماییم.

رئیس عمومی جمعیت اسلامی افغانستان نیز با شنیدن این حادثهٔ غم انگیز، طی پیامی، همدردی و تأثرش را در این حادثه ابراز نمود، و این عمل را وحشیانه و ضد انسانی خواند و به شدیدترین الفاظ محکوم کرد.

سال هاست دشمنان تعریف ناشدهٔ مردم افغانستان، با انفجار و انتحار از شهروندان، سران و افراد صاحب نفوذ جامعه قربانی می گیرد، به امنیت و ثبات کشور صدمه می رساند و جنایات نابخشودنی را مرتکب می شوند. اینکه دولتمردان به عیادت آسیب دیده گان رویدادها به درمانگاه ها می روند و جهت غم شریکی به محل رویداد و خانوادهٔ متضررین می شتابند، عمل خوب است اما هدف اصلی این دولتمردان شناسایی و تعریف دشمن و چگونگی ریشه کن کردن آنها باشد. دلیری و شجاعت خانم ریزه گُل فراهی – ملالی روزگارما- که به نماد شجاعت و دلیری تبدیل شده، با شهادت فرزندش، عزاداری آن را کنار گذاشته، با دختر و عروس اش، راهی سنگر فرزندش می شود و ۲۵ تن دشمنان را نابود می کند، قابل تمجید و درس بزرگیست به آنانی که فقط در قالب گفتار، سنگ دفاع از کشور و مردم را به سینه می کوبند! باید دشمن را تعریف و به مردم و نیروهای امنیتی انگیزهٔ دفاع ارایه کرد. در غیر آن، همان شعر مصداق پیدا خواهد کرد که: «گوسفندی ببرد گرگ مزور همه روز / گوسفندان دیگر خیره در او می نگرند!»

بدون تردید، در پشت نا امنی های کشورما و در حمایت نیروهای مخالف مسلح دولت، کشورها و دستگاه های استخباراتی و با تجربهٔ قوی سیاسی وجود دارند. دولت این چالش کلان را با برنامه های مدبرانه می تواند از سر راه کشور و مردم افغانستان بردارد.

از آنجایی که جنگ و نا امنی در همه عرصه ها بحران آفرین است، پس تا وقتی که دولت راه درست و اساسی را پی نگیرد و از جانب دولت مردان، صادقانه و دلسوزانه احساس مسؤولیت نشود، این نا امنی ها ادامه می یابد. در انجام کار، کشور و مردم افغانستان در تمام عرصه ها متضرر خواهند شد. پس بر حکومت افغانستان است تا به نگرانی ها و اضطراب مردم نقطهٔ پایان بگذارد و برای نجات مردم از شر این هیولای خطر ناک چاره اندیشی نماید.

برنامهٔ صلح حکومت وحدت ملی

ادامه از صفحهٔ اول

وی به امید بدست آوردن کمک ارتش پاکستان در سفر به پاکستان حتی به دفتر کار راحیل شریف رفت و این همان راهی است که قبلاً حامدکرزی آنرا بیش از بیست بار آزموده بود.

پرویز مشرف رئیس جمهور سابق پاکستان می گوید که بعد از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، این کشور درگیر جنگ نیابتی میان هند و پاکستان خواهد شد، هرچند رئیس جمهور غنی در نشست سارک در نیپال این سخن وی را رد کرد و تاکید نمود که افغانستان هیچگاه خطری برای کشورهای همسایه و منطقه نخواهد شد تا میدان جنگ نیابتی آنان گردد اما در طول سیزده سال گذشته حامدکرزی هم همین اطمینان را به پاکستان می داد که بی نتیجه بود. بنابراین نمی توان به امید کمک پاکستان به تامین صلح در افغانستان نشست و زمان را از دست داد.

مسیر دیگر برای رسیدن به صلح، پروسهٔ قطر است که امریکا آنرا آغاز کرد در حقیقت دفتر طالبان در قطر یگانه جائی است که از طرف رهبری این گروه برای مذاکرات صلح موظف گردیده است اما این دفتر از سال ۲۰۱۰ تا امروز فراز و نشیب های زیادی را تجربه کرده است.

طالبان بعد از آن داشتن یک آدرس سیاسی در قطر را پذیرفتند که امریکا خواست طالبان برای خروج کامل نیروهای خود از افغانستان را بعنوان یک گزینهٔ قابل بحث پذیرفت و در مذاکرات آلمان میان طالبان و امریکا، نمایندگان این کشور پذیرفتند که خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان یا گزینهٔ صفر نیز می تواند در آینده بعنوان یک راه برای حل معضل افغانستان مورد توجه قرار گیرد.

باز شدن دفتر برای طالبان در قطر هرچند مزایائی برای آنان در قبال داشت و نمایندگان آنان توانستند لااقل بصورت غیررسمی مستقیماً با جهان خارج در تماس گردند اما هدف اصلی آنان یعنی توافق با امریکا برای خروج نیروهای خارجی بصورت کامل از افغانستان با امضای قرارداد امنیتی با دولت جدید به شکست انجامید.

پاکستان که از ابتدا با بازشدن دفتر قطر برای طالبان مخالف بود و می خواست ابتکار عمل در مذاکرات میان طالبان و امریکا را در دست داشته باشد، بعد از رفتن طالبان به قطر زیاد تلاش نمود تا طالبان را به قبول نقش پاکستان در مذاکرات با امریکا وادار سازد و وقتی در این کار از راه عادی توفیقی نداشت، برادران طیب آغا را در پاکستان دستگیر نمود.

پروسهٔ صلح در قطر امید هایی را بمیان آورد اما بعد از آمدن نمایندگان طالبان به قطر، مذاکرات به حالت تعلیق درآمد. سال گذشته بار دیگر این دفتر برای چند ساعت باز شد اما اختلاف بر سر بیرق و عنوان این دفتر موجب بسته شدن مجدد آن گردید. وقتی امسال امریکا پنج زندانی طالب را از گوانتانامو آزاد کرد و اوباما خروج کامل نیروهای این کشور را تا پایان سال ۲۰۱۴ اعلام نمود، به نظر می رسید که راه برای رسیدن به صلح باز خواهد شد اما با امضای پیمان امنیتی میان امریکا و افغانستان و دوام ماموریت جنگی امریکا در افغانستان، راه رسیدن به صلح از این مسیر نیز به مانع بسیار جدی برخورده است.

در ابتدا فشار امریکا بر پاکستان موجب بمیان آمدن این دفتر شد اما پاکستان که نگران بود مبادا کنترول بر پروسهٔ صلح افغانستان را از دست بدهد، با دفتر قطر به مخالفت پرداخت. پاکستان توانست امریکا را قانع بسازد که پروسهٔ صلح قطر را کنار بگذارد و این دفتر را فقط در حد رابطهٔ عادی و آنهم در موارد ضروری با طالبان محدود سازد.

رئیس جمهور پیشین حامد کرزی که روزگاری همکار طالبان بود و با بسیاری از رهبران این گروه آشنائی نزدیک داشت، تلاش کرد تا با استفاده از آشنائی های قبلی با بعضی از آنان در تماس گردد. او شورای عالی صلح را بمیان آورد و در عین حال برادرانش احمد ولی و قیوم کرزی از راه های غیرمستقیم با ملابرادر در تماس گردیدند. رابطهٔ قومی میان آنان، حامد کرزی را امیدوار می ساخت تا به کمک مرد دوم تحریک طالبان، مشکل جنگ در افغانستان را حل کند.

پاکستانی ها برای عقیم نهادن این تلاش کرزی، ملابرادر را بدام امریکائی ها انداختند. زمانیکه ملابرادر در پاکستان دستگیر شد، کرزی تلاش کرد تا وی را از زندان رها سازد. تا مدت ها رابطه میان افغانستان و پاکستان به سرنوشت ملا برادر گره خورد اما در نهایت وقتی نمایندگان دولت افغانستان با ملابرادر دیدار کردند، وی هرگونه همکاری با حکومت کابل را رد کرد، او نیز به فراموشی سپرده شد.

در این میان کسانی هم به نام «پیغام رسان رهبران طالبان» برو و بیایی در ارگ داشتند و گاهی هم از طریق این پیغام رسانی های جعلی پول بدست می آوردند. این گونه اقدامات از جانب حامدکرزی موجب گردید تا نه تنها طالبان بلکه بسیاری از مردم عادی کشور نیز تلاش های صلح وی را جدی نگیرند.

این گونه تلاش های بی ثمر حتی به قیمت جان رئیس شورای عالی صلح، استاد برهان الدین ربانی تمام شد اما حامدکرزی همیشه مدعی بود که با رهبران طالبانُ در تماس است بدون اینکه از این رهبران نامی برده باشد.

***

با توجه به این حقایق، به نظر نمی رسد که رئیس جمهور غنی برای مذاکره با طالبان و متقاعد ساختن آنان برای پذیرفتن نظام و قانون اساسی و مهمتر از همه حضور امریکا در افغانستان، شانسی بیشتر از حامدکرزی داشته باشد. شورای عالی صلح که از همان ابتدا با مخالفت طالبان مواجه شد و در نتیجه نتوانست کاری در جهت صلح انجام دهد، احتمال دارد در دوران حکومت وحدت ملی منحل گردد.

مخالف سیاسی خواندن طالبان توسط رئیس جمهور غنی از جانب رسانه های هوادار امریکا در افغانستان به مخالفت مواجه گردید. این مسئله نشان می دهد که امریکا نیز برنامهٔ صلح از راه مذاکره با طالبان را کنار نهاده است. دستگیری انس حقانی و عبدالرشید عمری در بازگشت آنان از قطر نیز موید همین نظر است که امریکا پروسهٔ قطر را هم کنار نهاده و درصدد دوام جنگ در افغانستان می باشد.

شدت حملات طالبان در ماه های اخیر نشان می دهد که طرف مقابل نیز قصد عقب نشینی از موضع خود را ندارد. بنابراین می توان گفت که در آینده نیز هردو طرف بر مواضع خود مبنی بر «رسیدن به صلح از راه جنگ» پافشاری خواهند داشت و امید رسیدن به صلح برای مردم افغانستان همچنان یک رویا باقی خواهد ماند.

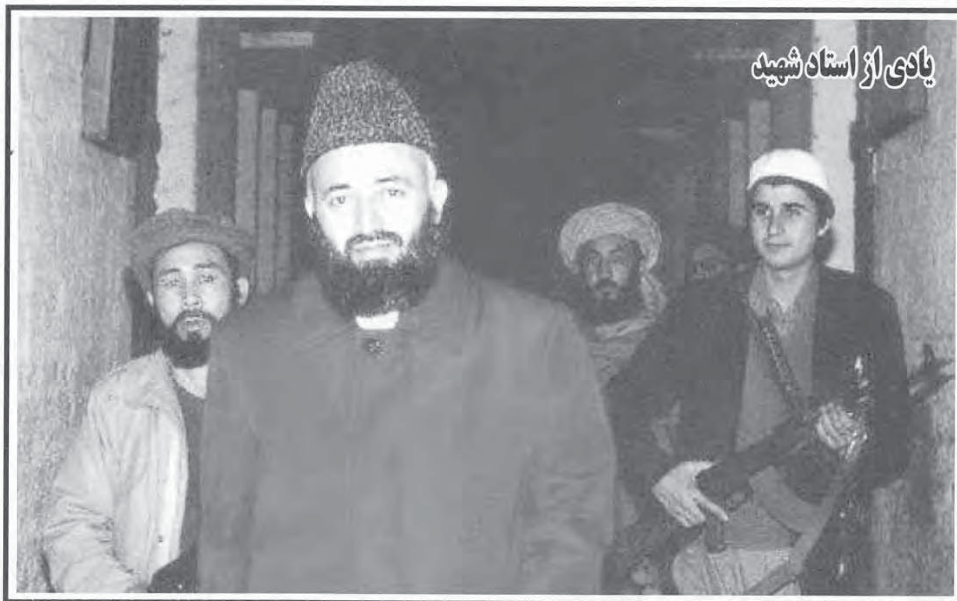
وقت گذرانی و بگو مگوها...

اختلافات میان رئیس جمهور و رئیس اجرائیه روی متن موافقت نامهٔ حکومت وحدت ملی و ادغام برخی از وزارت ها و نهاد های حکومتی بوده می تواند.

پیش از این عبدالرشید دوستم، معاون اول رئیس جمهور در گفت‌گویی با رسانه‌ها از پافشاری رئیس اجراییه برای چگونه‌گی تقسیم قدرت بر اساس ۵۰+۵۰ انتقاد کرده است. او رسماً از اختلاف بر سر تقسیم قدرت پرده برداشت و گفته است: "من هم شنیده‌ام که داکتر صاحب عبدالله می‌گوید (قدرت) پنجاه پنجاه تقسیم شود. این گپ، گپ عملی نیست. اما داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه و معاون دوم وی آقای محقق در پاسخ به این گفته ها واکنش نشان داده و گفته اند که در این زمینه فقط با رئیس جمهور طرف اند و می توانند به این بن بیست پایان بدهند. این دو مقام معاون اول اشرف غنی را متهم به بی خبری نموده اند.

روی هم رفته انتظار می‌رود که پیش از برگزاری نشست لندن بخشی از اعضای کابینهٔ جدید تشکیل و نامزد وزیران برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نمایندگان فرستاده شوند.

اعضای کابینه که در واقع همانا مجریان قانون و ارائه دهندگان خدمات به مردم اند، نقش به سزایی را در زندگی روزمرهٔ مردم دارند. با وصف این‌که رئیس جمهور اشرف غنی در روز تحلیف به مردم وعده داده بود که تا دو ماه دیگر اعضای کابینهٔ خود را به معرفی می گیرد، اما با گذشت دو ماه تا هنوز موفق به این کار نشده است. برخی تحلیل گران رئیس جمهور را زیر سوال برده اند که به جای انجام کارخانه‌گی، بیشتر سرگرم سفرهای خارجی است.



اگر دولت وحدت ملی نمی بود؟

□ **همنوا**

هرگاه در نتیجهٔ انتخابات ریاست جمهوری گذشته و بدون دست اندازی های پیدا و پنهان منابع داخلی فضای خارجی، داکتر عبدالله عبدالله رئیس جمهور کشور می شد و داکتر اشرف غنی از دولت به دور می ماند، آنگاه:

همه انفجارها و انتحارهای پی در پی در کشور به ویژه در شهر کابل را مخالفان دولت به گردن داکتر عبدالله می افگندند و ادعا می کردند که با به قدرت رسیدن یک فرد که ظاهراً کندهاری و در واقع پنجشیری است، کشور ما به این حال و روز افتاده و عاقبت آن به خیر باشد!

هرگاه یک افغان واقعی و از قوم احمدزی که پشتیبانی همه افغانها با اوست و قوم گراها و مجاهد نماها و افراد اقوام دیگر یعنی همه اقوام با او بودند، به قدرت می رسید، آنگاه می دیدید که صلح و امنیت به کشور باز می گشت و ما دیگر شاهد انفجار و انتحار نمی بودیم!

در گذشته ها هم گفتیم که یک رهبر جهادی به ما گفت که، هرگاه من در قدرت باشم و یا از فردی حمایت می کنم، چون اکثر افغانها و از قوم به اصطلاح اکثریت، همه از ما حمایت خواهند کرد و دیگر جنگ و انفجار و انتحاری وجود نخواهد داشت؟!

همچنان رهبر دیگر جهادی در مصاحبه با رسانه ها در بیست سال قبل گفته بود که هرگاه من به قدرت می ماندم، آقای راکت پران، هرگز کابل را با راکت مورد حمله قرار نمی داد و....

راستی چرا تعداد زیادی از مردم ما ساده لوح و به حرف های کوچه و بازار باور دارند و از وقایع و حقیقت های روشن روز آگاه نیستند؟! من از یک موسفید که خدا او را بیامرزد، بیست سال قبل شنیدم که جنگ های قدرت طلبانهٔ آن روزگار را با شدت و قاطعیت، جنگ مجاهدین و ملیشه ها می خواند و بر سرکوبی ملیشه ها پافشاری داشت!

اما زمانی که رهبر یکه تاز مجاهدین، همه را و همه برادران تنظیم خود را گول زد و راه ائتلاف با ملیشه ها را در پیش گرفت، همان موسفید خدا بیامرزد، بازهم با افتخار و سربلندی به ما گفت:

دیدید که رهبر مجاهدین، چگونه یک ائتلاف قوی قومیت ها را تشکیل داد و دشمنی (به اصطلاح) تاریخی میان پشتون ها، ازبک ها و هزاره ها را یکسره از تاریخ کشورما پاک کرد!

نمی دانم از کجا بگوییم و کدام تاریخ ها و هفته ها و روزها را دوباره یاد آوری کنیم:

روزی که رهبر نام نهاد مجاهدین قاطع و خواهان حکومت صد درصد اسلامی، ادعا می کرد که همه تنظیم ها با رژیم دست نشاندهٔ روسها در کابل رابطه دارند و فقط ما و شما هستیم که همچنان در سنگر مقاومت و دفاع از عقیده و ایمان و نوامیس ملی و تاریخی افغانستان قرار داریم و یک وجب از سنگر خویش عقب نخواهیم رفت و چنان و چنین خواهیم کرد و... اما بالاخره مردم ما شنیدند که همین رهبر نامدار! با حفیظ الله لعین طرح یک کودتایی مشترک علیه بقایای هواداران روس و تجاوز روسها را داشت و در آن زمان اکثر مجاهدین و از جمله خود ما به این ادعای پوچ و مسخرهٔ گلاب زوی توهین ها کردیم و آن را کاملاً دروغ و غلط و توطئهٔ رژیم کارمل دانستیم... اما در زمان نجیب که بازهم کودتای علنی شکل گرفت و باز هم این رهبر نام نهاد مجاهدین قاطع و صریح و خواهان حکومت صد درصد اسلامی، حمایت و یکسویی خود را با کودتاچیان خلقی اعلام نمود اکثر مردم و مجاهدین به حیرت رفتند و حامیان سینه چاک رهبر نام نهاد با افتخار و مباهات می گفتند، دیدید چگونه ضربهٔ هولناکی را بر پیکر رژیم نجیب وارد کردیم و سنگر کمونیست ها را توسط خود کمونیست ها درهم کوبیدیم و این افتخار واقعی نصیب رهبر گرامی ما باد!

بازهم تعداد دیگری از مجاهدین و اعضای شورای اجرایی آن تنظیم با رهبر نام نهاد، قطع رابطه کردند و اجتماع دایر نمودند که در این موضوع اصلاً با شورای اجرایی این موضوع مطرح نشده و چرا رهبر ما که خود را اصولی و تنظیم خود را بسیار منظم و تشکیلات آن را در سطح جهان، بی نظیر می داند!! در همچو موارد با ما مشوره نمی کند و حتی اطلاع نیز نداده و ما از رسانه ها از همچو کودتایی اطلاع حاصل کنیم؟!

دامنهٔ این دردها و رنج ها دراز و خیلی دراز است و درد و رنج اصلی ما این است که چرا سیاست پیشه گان و اهلی سیاست و اجتماع از همچو واقعیت های روشن، درس نمی گیرند و بازهم بر همان چهارپای جهل و تعصب آلوده سوار اند؟!

آیا ندیدیم و نشنیدیم که افراد تحلیلگر و مبصر در روزهای انتخابات ریاست جمهوری چه حرف هایی نگفتند و چه گل هایی را به آب ندادند؟

آیا چندین جوان در سراسر کشور در اثر درگیری میان طرفداران یک تیم و تیم دیگر کشته نشدند و چندین نفر دیگر جراحت برداشتند؟

آیا وضع موجود ما را قافله سالار ادب دری، استاد خلیل الله خلیلی سال ها قبل نگفته بود که:

ای بس فقیر زار که شد کشته رایگان
بهر حصول مقصد عالیجناب ها
بس نوجوان ساده که در جنگ این و آن
جان عزیز داده به زیر رکاب ها...

و امروز شورای وزیران سرپرست را آقای داکتر عبدالله عبدالله ریاست می کند و در ماه یک بار داکتر اشرف غنی؟! در تعهدات تاریخی، هردوی شان در کنار یکدیگر می نشینند و در محافل و دعوت های رسمی نیز افراد هر دو تیم باهم و هم سفره اند؟!

و سمیع حامد چه خوش گفته:

دو رهبر پشت میز صلح خاندان
دو بیرق برسر قبر دو عسکر

سارک فرصتی برای همکاری های...

در این نشست رئیس جمهور غنی در سخنرانی خویش تأکید کرد که وظیفهٔ رهبران کشور ها است، تا محیط جهانی را از تقابل به تفاهم و همکاری تبدیل نمایند. رئیس جمهور غنی با اشاره به تروریزم منحیث تهدید مشترک برای تمام کشورها از تراژیدی ولسوالی یحیی خیل ولایت پکتیکا که در اثر آن ۴۷ تن از هموطنان بی گناه ما به شهادت رسیدند و همچنان از حملهٔ تروریستی در واگهٔ پاکستان، یاد آوری کرد. رئیس جمهور غنی گفت: اجازه نمی دهیم که قلمرو افغانستان بر ضد هیچ یک از همسایه های ما استفاده شود و در عین حال به هیچ کس اجازه نمی دهیم که جنگ های نیابتی خود را در افغانستان به پیش برد.

رئیس جمهور غنی خاطر نشان کرد: هر مشکل نباید با توسل به زور حل گردد، لذا پیگیری صلح از طریق تلاش های سیاسی، جنبهٔ دیگری از تعهد ما را در راستای مبارزه با تروریزم، تشکیل می دهد. رئیس جمهور غنی افزود، برقراری صلح در افغانستان از اولویت های عمدهٔ ما می باشد و ما پیوسته برای مساعد کردن یک محیط ملی، منطقوی و بین المللی برای رسیدن به آن تلاش می کنیم.

هشت کشور عضو سارک (سریلانکا، پاکستان، نیپال، مالدیو، هند، بوتان، بنگلادش و افغانستان) تقریباً ۱،۵ میلیارد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و حوزهٔ تأثیر گذاری سارک از هر سازمان منطقهٔ دیگر بیشتر است. امریکا، آسترالیا، چین، ایران، جاپان، برما و اتحادیهٔ اروپا عضو ناظر این سازمان می باشند.

سارک در سال ۱۹۸۶ میلادی و با هدف "ارتقای سطح همکاری ها برای رفاه مردم جنوب آسیا" تأسیس شد. افغانستان در سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر و در سال ۲۰۰۷ در چهاردهمین اجلاس این سازمان عضویت دایمی سارک را گرفت.

اهداف سارک بیشتر متمرکز به راهکاری اقتصادی و اجتماعی بوده و کشورهای عضو سارک نیز متعهد هستند در بخش زراعت و مالداری، آبیاری، مخابرات، اطلاعات، انرژی، محیط زیست، توسعه و زیر ساخت ها با اعضا همکاری کنند. افغانستان می‌تواند از فرصت ها و تجاربی که کشورهای عضو این سازمان در زمینهٔ حمل و نقل و زراعت و مالداری دارند بهره ببرد و علاوه بر آن فرصت های آموزشی موجود در کشورهای عضو سارک می‌تواند کمک بزرگی از نظر تأمین نیروی انسانی برای افغانستان باشد.

در عین حال آگاهان امور بدین باور اندکه این سازمان غالباً تحت تأثیر اختلافاتی‌که میان دو کشور هند و پاکستان قرار دارد و همین جهت مانع امضای چند توافقنامه در این نشست شد. و همچنان تنش هایی میان افغانستان و پاکستان و روابط حسنهٔ افغانستان با هند، از سرعت عملکردهای (سارک) می‌کاهد.

په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سيرت ونډه

اته ويشتمه برخه

■ **ژباړه: اجرالدين اقبال**

اوس به پر پورتنيو اجزاو ورنا واچاوهو:

۱_استازی:

د اسلامي تبليغ تر تولو مهم عنصر استازی دی،چې حضرت محمد (ص) دی او د عظمت لپاره يې همدومره بس،چې د پيغمبرانو بناغلی او د پيغمبرانو د کاروان خاتم دی او کتاب يې تلپاتې معجزه او ښوونځی دی.

رسول اکرم د الهي پيغام په رسولو کې بې ساری و. قرآن وايي:

(احزاب/٤٥) پيغمبره! په حقيقت کې موږ ته شاهد او زيری ورکوونکی او وېروونکی لېږلی يې))

نياومنو (منصفو) ختيځپوهانو او نورو نامسلمانو پوهانو د رسول اکرم لويي منلې او يو له دوی يې نوم د "سل غوره نارينه وو" دکتاب په سر کې راوړی دی .

"برنارد شاو" ايرلندی ليکوال او عالم،د رسول اکرم په اړه وايي:

((زه بې له دې،چې له حضرت مسيح سره د دښمنی يا مخالفت هوډ ولرم، ددې ستر انسان (حضرت محمد) ژوند مې وڅېړه او دې پايلې ته ورسېدم،چې بايد د بشريت د ژغورندوی نوم پرې کېږدو او باوري يم،که دده په څېر د نن له ستونزمنې نړۍ د واکمنۍ فرصت گوتو ته ورشي؛نو په اسانه به يې هواري کړي او ويلای شم،چې نن په اروپا کې ډېر غوړونه د "محمد" د پيغام اورېدو ته لېوال دي .))

وگورئ : شاو،برنارد، الاسلام الصحيح ، ۲۵مخ.

د برتانيا په دايرة المعارف کې د حضرت محمد (ص)په اړه راغلي : ((سره له دې، چې د اسلام د پيغمبر په زمانه کې،تولو په پېړيو پېړيو په ناپوهۍ او بوت لمانځنه کې ژوند کړی و؛خو د شلو کالو په ترځ کې يې داسې بنسټيزې سموني راوړې،چې يهودي او مسيحي سمونپال يې د پاپ او کليسا د واکمنۍ په مرسته په پېړيو پېړيو، له سرته رسولو بېوسې وو.))

په اسلامي تبليغ کې،انسان د خدايي فطرت پر بنسټ،همغږی موجود شمېرل کېږي او د جسم او روح ترمنځ يې بېلتون نه شته او پر يو بل غوره والی نه لري او وگړنی لېوالتيا يې له دله ييز روح سره برابره ده؛نو ځکه کردې انساني ټولنې او همداراز هستي پر عدالت ولاړه او همغږې ده.

۲_قرآن:

د اسلام تلپاتې معجزه ده. د اصيلې او ژورې منځپانگې خاوند دی او ثابت او نه بدلېدونکي احکام لري.قرآن د خلکو د لارښوونې لپاره له لاندې دوو طريقو کار واخست:

الف_د ډول ډول تعبيرونو کارول:

قرآن د غوسه ناکو مفاهيمو لپاره له سختو او درنو ټکيو کار اخسته او د لطيفو او نرمو



مفهومونو لپاره يې نرم ټکي کارول.

ب_ تکرار:

ددې لپاره،چې قرآن د يو مفهوم پر مانا انسان ښه وپوهوي؛نو د تکرار مخنيوي ته يې يو مفهوم،په بېلابېلو سورتونو کې له بېلابېلو ټکيو سره راوړ، چې مخاطبان يې پر ارزښت پوه شي.

د قرآن بل غوره والی دادی،چې د ټولې نړۍ لپاره دی؛ځکه بې له قرآنه،بشريت ته د خدای له لوري،بل کتاب نه دی راغلی؛لکه څنگه چې بې له اسلامه،بل دين بشريت ته نه دی راغلی،چې په خپله قرآن دا خبره کړې ده:

((پيغمبره ! موږ تولو نړيوالو ته لارښوونکی لېږلی يې))

د الهي پېرزوينې غوښتنه ده،چې دا اسماني رسالت نړيوال وي او د تولو انسانانو غوږونو ته ورسي؛ځکه دا دين د انسان نېکمرغۍ تضمينوونکی دی او ددې خبرې يادونه په کار ده،کوم انسان،چې د قرآن له حقايقو خبر نه شي او منلو ته يې را و نه بلل شي؛نو الهي ثواب او عذاب هم ورته نه وي؛نو ځکه څوک هله خان مکلف بولي،چې تبليغ ورته وشي او له زړه نه قرآن ومني.

قرآن په پخوانيو او اوسنيو وسايلو تبليغولای شو او د قرآن سپېڅلي احکام تر تولو هغو عاداتو او دودونو سره سمون خوري،چې له بشري روغ فطرت او انساني ژوند سره اړخ لگوي.

۳_د تبليغ اوزار:

د تبليغ په نوي مفهوم کې،وسيله او اوزار بې پلوي گڼل کېږي؛يعنې د اوزارو ښو او بدو ته پام نه کېږي؛خو پيغمبر اکرم د خلکو پام دې خبرې ته راواړاوه،چې ټول څيزونه او طبيعت او د تبليغ لومړني اوزار،ټول د خدای پيدا او تسبيح ويونکي يې دي او هستی ته په دې ډول ليد، اوزار د يو ډول ژوند او احساس لرونکي گڼل کېږي.

خدای تعالی په لاندې آيتونو کې دا حقيقت بيان کړی دی:

_((د اسمان او ځمکې لښکرې تولې د خدای دي .))

_((په نړۍ کې به داسې موجود نه وي،چې د هغه تسبيح ويونکی او ستايونکی وي .))

_((پيغمبره! که دا قرآن مو پر غره نازل کړی و؛نو ليدلی به دې وو، چې د خدای له وېرې به نرم او رژېدلی وای .))

_((ځينې کاڼي د خدای له وېرې رژېږي .))

او د نړۍ موجوداتو ته په داسې کتنې سره بايد ومنو، چې که دروغو او ناروا تبليغ ته يې وکاروو؛ نو چغې به يې راپورته شي .

٤_د پيغام اخستونکي:

د اسلام د اسماني پيغام اخستونکي،د هغې ورځې د عربستان د ټولنې عرب وو، چې د پيغمبر اکرم ښکليو اخلاقو او نرم خوی لېوال کړي وو. رسول اکرم به تر تولو سره؛له کتابوالو تر بېوزليو پورې کېناسته چې تر تولو غوره امت جوړ کړي او په رښتيا، چې په دې موخه کې بريالی هم شو .

٥_د خلکو غبرگون:

د رسول اکرم تبليغ ته،د خلکو پر وړين تندي ورغاړېوتل، د فطرت غږ ته مثبت ځواب و. خلکو اسلام ومانه او پر تولو تېرو پيغمبرانو او معجزو يې ايمان راووړ،چې نړۍ له ټوکم پالنې،ځانمنې،تکبر او پر بې ارزښته مادي مسئلو له شخړو خلاصون وموموي او د نېکمرغۍ پر لور لوړ گامونه اوچت کړي.

ادامه لری

ابعاد یک جنایت

□ **ابوبکر سبزوار**

یکبار دیگر انفجاری بی هدف و کور، ده ها تن از هموطنان ما و بیشتر جوانان را هدف قرار داد. در یحیی خیل ولایت پکتیکا در جریان مسابقهٔ والیبال انفجاری رخ داد که در نتیجه بیش از یکصد تن کشته و مجروح شدند. قبلاً نیز انفجار یک موتر که توسط یک انتحاری هدایت می شد، بازار ارگون را یکسره به خاک یکسان ساخت و ده ها کشته و مجروح برجا نهاد.

مقامات امنیتی و رسانه های افغانستان این جنایت را به طالبان نسبت می دهند و در مقابل طالبان ضمن تقبیح این عمل، خود را از جریان بی خبر وانمود نموده و خبر از آغاز تحقیقات در این رابطه دادند. پس از دو روز طالبان ضمن اعلامیه ای خبر دادند که تحقیقات شان در این زمینه هنوز به نتیجه نرسیده و مشخص نشده که کدام گروه و یا شخص در عقب این جریان قرار داشته است.

تلفات غیرنظامی مشکل بزرگ جنگ افغانستان است و عمده ترین دلیل سرد شدن در روابط میان امریکا و افغانستان در دوران حامدکرزی نیز تلفات غیرنظامیان بود.

در طول سالهای گذشته نهادهای بین المللی نیز هر سال طالبان را عامل بیشترین تلفات غیرنظامی قلمداد کردند. طالبان با سازمان ملل متحد در رابطه با مسایلی مانند زندانیان، صحت و کمک های انسانی در تماس بودند اما مقامات سازمان ملل متحد برای ادامهٔ بهتر این رابطه از طالبان مطالبه نمودند تا در جهت کاهش تلفات غیرنظامی قدم های جدی تری بردارند.

در جواب به این خواست، در اواخر سال ۲۰۱۳ طالبان طی یک اعلامیه ای از بمیان آمدن یک ادارهٔ جدید در ساختار شورای نظامی شان زیر نام مبارزه با تلفات ملکی خبر دادند. جالب اینجا بود که طالبان برای تماس با مسوولین این اداره، ایمیل آدرس و شمارهٔ تلفن و حتی فریکانس مخابرهٔ قوماندان سرحدی را نیز به نشر سپردند تا هرکس و در هر زمان بتواند با این اداره در تماس گردد اما چنین به نظر می رسید که این تماس ها فقط می توانست بعد از بمیان آمدن تلفات ملکی صورت گیرد زیرا مشکل بود که کسی بداند که در آینده در کجا تلفات ملکی صورت می گیرد تا به منظور پیشگیری از آن با این اداره در تماس گردد و به این ترتیب تلفات غیرنظامی ادامه یافت.

برای حکومت افغانستان نیز این فرصت خوبی بود تا از تلفات ملکی ناشی از عملیات های طالبان کلیپ های ویدیوئی تهیه نماید و بعنوان یک حربهٔ تبلیغاتی به شکل اعلان تجارتی از طریق رسانه ها به دست نشر بسپارد و ذهنیت ها را علیه طالبان برانگیزد. اما وقتی مسئلهٔ کشتار در یحیی خیل را از ابعاد دیگری مورد توجه قرار می دهیم، سوالاتی به میان می آید که می تواند سخت نگران کننده باشد: اگر طالبان واقعاً در عقب این جریان بوده اند، پس هدف شان از این کار چه بود و چه نفعی بدست آوردند؟ فاجعهٔ یحیی خیل جز نفرت مردم افغانستان و جهان هیچ دست آوردی برای عاملان آن به ارمغان نیاورد.

واقعهٔ یحیی خیل طوری بود که مسابقات والیبال از چند روز جریان داشت و بنابراین مشخص است که شخص انتحار کننده از قبل برای انفجار در همین محل آموزش دیده و آماده شده باشد. کسانی که این کار را سامان داده بودند می دانستند که در این گردهمائی هیچ مقام مهم دولتی شرکت نخواهد کرد. بنابراین اگر ثابت شده باشد که این عمل انتحاری بوده است، انفجار در این محل جز تلفات ملکی هیچ هدف دیگری را دنبال نمی کرده است.

اگر این جریان همانگونه که گفته شده یک عمل انتحاری بوده باشد، تاکنون افراد آمادهٔ انتحار فقط در اختیار طالبان بوده اند و اگر اکنون یک عمل انتحاری بدون کنترول طالبان صورت گرفته باشد، پس می توان گفت که یک گروه از طالبان از کنترول رهبری این گروه خارج شده اند و یا اینکه گروهی دیگر و تندرو تر از طالبان در حال قدرت گرفتن اند. اگر چنین باشد پس آیا می توان گفت ما شاهد تکرار جریان عراق در افغانستان هستیم؟ در عراق نیز گروه هائی از القاعده نظر به شرایط خاص آن کشور و تحولات جنگ از کنترول القاعده خارج شدند و داعش را بوجود آوردند و القاعده را زیر نفوذ خود در آوردند. اکنون این گروه هر فرد یا گروهی را که با دولت عراق یا سوریه رابطه دارد، از دایرهٔ اسلام خارج دانسته و آنانرا از زن و مرد مباح الدم و واجب القتل می دانند.

حدیث رستم در افغانستان



□ عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

از گذشته ها گفته اند که تاریخ یک سرزمین ناموس یک سرزمین است، آنکه تاریخ می فروشد همه چیز را می فروشد و آنکه تاریخ را جعل می کند خود را جعل کرده است. کشورهای امروز با هویت های ملی و گذشته های تاریخی خویش زنده گی می کنند و کشور های بدون هویت در حقیقت بدون شناسنامه در سطح جهان است.

زمانی طبل سرخ سیطرهٔ شوروی از آسیا تا اروپا کوبیده می شد و امروز آب ها از آسیاب ها فرود افتاده و جای آنرا قساوت دیگر و بی مهری دیگر فرا گرفته است. قساوتی که سنگدل تر از دوران قبل از جنگ سرد در دنیا است. امروز در کشور حرف اول رسانه ها جنگ، قتل، خشونت و تفنگ است. در سرزمینی که عاطفه ها سنگ شده و بر همه چیز آهن و فولاد، خشونت، خود کامگی و شب پرستی حکومت می کند. قیام و پای مردی یک زن افغانستانی در فراه آغاز یک حرکت همه گانی در برابر تاریک اندیشان در کشور خواهد بود. کشوری که دیگر شجاعت جنسیت نمی خواهد و بانوان دیگر پس از ۱۳ سال در کشور حماسه می آفرینند و به تفکر قرون وسطایی صدای اعتراض بلند می نمایند. داستان حرکت ریزه گل در برابر سفاکان قرن ۲۱ برای سایر زنان و مردان افغانستان روح تازه بخشیده است. به گفته شاعر:

ملتم پرچمش افراشته یکبار دیگر
چرغ پیشش سپر انداخته یکبار دیگر
کعبه یکبار دیگر فاتح گردون گشته
حق ز قرآن علمی ساخته یکبار دیگر

و به گفته فردوسی بزرگ:

بسا رعنا زنان کو شیرمرد است
بسا دیبا که شیرش در نورد است

همانگونه که زنان در آزادی و استقلال افغانستان در مقاطع مختلف حماسه آفریدندند، امروز جای ملالی ها، ناهید ها و سایرین را زنان دیگر پُر کرده است. این زنان بودند که در قیام های آزادی خواهی در برابر انگلیس صف مردان را نیرومند ساختند و در زمان هجوم اتحاد شوروی سابق، در شهرهای مثل کابل و دهکده های دیگر در برابر ستمگران و کسانی که می خواستند کشورما را به برده گان قرن بیست تبدیل نمایند، به پا خاستند. در قیام سوم حوت ۵۸ زنان کابلی صدای اعتراض خود را بلند نمودند. در این قیام نه تنها مردان، بلکه زنان نیز در صف آزاده گان اعتراض خویش را بلند نمودند و صدای مرگ بر تجاوزگران، مرگ به ببرک کارمل این شاه شجاع دوم صفوف عزت و شرف قیام کننده گان را مستحکم تر ساختند و در هیمن قیام بود که ناهید در جاده دانشگاه کابل به شهادت رسید.

جای داشت که نهادهای دفاع از حقوق زن، آزادی و دفاع از مردمان مظلوم این حرکت قهرمانانهٔ زن فراهی ما را تجلیل می نمودند و آنرا سرمشق مبارزات آزادی خواهی بعد از ۱۳ سال در کشور قلمداد می نمودند. از این حرکت فهمیده می شود که دفتر مبارزات ضد طالبانی پس از ۱۳ سال پسین از سوی زنان گشوده خواهد شد. نیرو و اعتماد به نفسی که در صدا و سیمای این زنان وجود دارد، مقدمه یی خواهد بود برای یک سیلاب سهمگین که کاشانه های ستمگران را از بیخ و بُن بر خواهد کند.

امید بر این است، که این حرکت به یک حرکت سیال در افغانستان تبدیل گردد. این حرکت نشان می دهد که بانوان را نمی توان دست کم گرفت؛ بلکه این بانوان می توانند خشم خود را در برابر نامردان نشان دهند. همه چیز را می توان فریب داد، اما نمی توان تاریخ، عزت و شرف یک ملت را به حراج گذاشت. زنانی بسیاری در تاریخ آزادی افغانستان حماسه آفریده اند.

کم نیستند زنانی که در تاریخ آزادی کشور، نقش داشته اند. در دورهٔ مقاومت و در حوادث آخیر که عده یی می خواهند با ذهنیت های مملو از هوس و آلوده گی سرزمین ما را آتش بزنند. این خانم افغانستانی همچون قهرمانان تاریخ جهان عمل کرده است و به گفتهٔ فردوسی نباید این حرکت را اسطوره و فسانه خواند؛ بلکه دیگر ذهنیت های خفته به انرژی مادی تبدیل شده است. آزادی و استقلال کشور دیگر به زن و مرد تعلق ندارد، بلکه هردو می توانند کشور را از برده گی قرن ۲۱ نجات دهند و در جنگ های اخیر و پس از قوت های خارجی در افغانستان، بیشترین رنج ها را زنان کشور ما متحمل گردیده اند. اگر یک چنین سکوت معنا دار در میان دولتمردان و سیاست گذاران تجارت پیشهٔ وجود داشته باشد، ما شاهد قربانی های زیادی در کشور خواهیم بود.

فردوسی از زبان پوراندخت چنین گفته است:

زکشور کنم دور بدخواه را
بر آیین شاهان کنم گاه را

امروز دیوار بر اندازان تاریخ کشور می خواهند تاریخ هستی مردم و خانواده ها را نیز از ریشه برکنند. وقتی دهشت افگنان در بازار و مساجد مردم ما را می کُشند، وقتی زنان این سرزمین را به بهانه های گوناگون تیر باران می کنند و یا با انفجار انتحاری آنها را می کُشند، معلمان، کارمندان دولت و خبرنگاران را سر می بُرند، دختران مکاتب را مسموم می کنند، بر رستورانت ها و کافه ها هجوم می برند، جوانان کارگر و سربازان را می کُشند، دیگر مسوولیت نه تنها متوجه مردان است؛ بلکه زنان نیز باید مسوولیت خود را درک کنند. این حرکت اخیر در فراه مقدمه یی برای آغاز یک قیام سرتاسری در کشور خواهد بود.

د سارک سر مشریزه او افغانستان ته يې ارزښت

□ رفیق بحر

د سارک د سیمه ایزو همکاریو سازمان چې د جنوبي آسیا د هیوادونو تر مینځه د اقتصادي همکاریو یوه ټولنه ده او تر دا مهاله یې د غړو شمیر اتو هیوادونو ته رسیدلی دی، د افغانستان په ګډون د جنوبي آسیا دوه اتومي ځواک لرونکي هیوادونه (پاکستان او هندوستان) هم پکې غړیتوب لري. او د تېرې چهارشنبې په ورځ یې د نیپال پلازمینه (کټمندو) کې سر مشریزه دایره شوې وه، د افغانستان ولسمشر هم پکې وینا واوروله او د وینا مهم ټکي یې د پاکستان او هندوستان مشران په غوږونو وهل وو، چې افغانستان به د هیچا د نیابتي جګړو ډګر ځیدلو ته پرینږدي او نه به دغه خاوره د چا پر خلاف استعمال شي.

د ولسمشر غني څرګندونې پداسې مهال رامینځته شوې چې نږدې یوه نیمه اونۍ وړاندې د پاکستان پخواني پوځي ولسمشر پرویزمشرف ویلي وو، چې کېدای شي د افغانستان څخه د بهرنیو ځواکونو له وتلو وروسته دغه هیواد کې د هند او پاکستان ترمینځه نیابتي جګړې پیل شي چې په افغانانو کې یې سخت غبرګونونه را پورته کړي وو.

د سارک د اقتصادي همکاریو سازمان به د جنوبي آسیا هیوادونو لپاره د شته ستونزو په حل کې (چې ډېری یې ټولنیزي او اقتصادي او د ځینو هیوادونو تر مینځه بیا سیاسي او نظامي ستونزي هم دي) څنګه وکولای چې لاس په سرشي او خپلې بنیادي ستونزې حل کړي او د اقتصادي ودې په لړ کې مؤثر ګامونه واخلي؟ دا جوته ده چې د جنوبي آسیا هیوادونو جغرافیوي موقعیت له یوې خوا دغه هیوادونه د موسمي آفاتو سره مخ کوي، چې پایله کې یې ګڼې اجتماعي ستونزې؛ بیځایه کېدل، بې کوره کیدل او ولږې رامینځته کیږي او هم دا چې دغه هیوادونه د آسیا په وچه کې له چین وروسته ډیر نفوس لرونکي هیوادونه دي، چې غربت او ولږه پکې بله ستره ستونزه ده، نو ځکه اړتیا لري چې په خپل مینځ کې سره اقتصادي اړیکې ټینګې کړي، څو خپلو کې هم، یو د بل په درد وخوري او هم یې تولیدات نورې نړۍ ته د رسیدلو لپاره ډیره فاصله په لږ وخت کې طی کړي. څو دغه کار د دغو هیوادونو ترمینځه د سرکونو او ریل ګاډو د لیکو غځولو غوښتنه کوي او هم د برېښنا پیداکولو کې له یوبل سره په همکارۍ کولای شي خپله برېښنایي او هم د سوند توکو اړتیا پوره کړي، چې لومړی د تولید په لړ کې هم یوه بنیادي اړتیا ده او ټول غړي هیوادونه یې د برېښنا د نه شتون څخه سر ټکوي؛ لکه چې د تاپي نل لیکه هم په همدې بنیاد د هند او پاکستان لپاره غټه اړتیا ده.

څو تر دا مهال په غړو هیوادونو کې د نورو په پرتله د پاکستان او هندوستان ځواکمنیا او روایتي دښمني هغه څه دي چې یاد دواړه هیوادونه دغه تړون خپلو منطقي پایلو ته رسیدلو کې کله کله خنډ هم ګرځي. څو دا ځل غړو هیوادونو پتیلي ده چې په یوه نا رسمي غونډه کې پدې اړه په حل لیارو او اړینو اقداماتو بحث وکړي.

افغانستان ته پدې ټولنه کې ګډون د دې لپاره هم اړین دی چې د یادو شوو دوه روایتي حریفانو هیوادونو جګړې مونږ آغیزمن کړي یو او ښایې لدې وروسته هم دغه دواړه هیوادونه د خپلې بزکشۍ لپاره افغانستان لپاره شومې ارادې ولري څو هغه څه چې د ټولو او په ځانګړې توګه د همدغو دوه وو هیوادونو ستره اړتیا ده نو هغه دا ده چې دواړه هیوادونو باید کوښښ وکړي چې د افغانستان ګډون او بقاء په سارک کې تضمین شي او دا هغه مهال ممکن ده چې دواړه هیوادونه د افغانستان امنیت په خپلو لومړیتوبونو کې راولي؛ ځکه چې که د تاپي نل لیکه د دوی د یوې سترې اړتیا په توګه له افغانستان څخه تیریږي، نو د همدې دوه وو هیوادونو تولیدات هم د آسیا زړه هیوادونو او زمونږ شمالي ګاونډیانو ته د افغانستان له لیارې رسول کیږي. او هم د نورو غړو هیوادونو لپاره د مرکزي آسیا سره د لارې پیداکولو لپاره افغانستان یو پُل دی. نو ځکه اړتیا ده چې د سارک سر مشریزه یوازې د اجتماعي او اقتصادي ستونزو په حلولو کې پانګونه ونکړي بلکې د سیمې د سیاسي او نظامي ستونزو په حلولو کې (چې پکې د هند او پاکستان تر مینځه د کشمیر ربړه او هم د افغانستان په خاوره د دواړو هیوادونو نیابتي جګړه او ښکر جنګي هم شامل دي) په دواړو هیوادونو باندې د فشار راوړلو له لیارې د دغو ستونزو د حل په لټه کې هم شي؛ ځکه که داسې ونشي نو بیا د افغانستان لپاره د وریښمو د لیار پرانستل او له چین سره په ستره پانګونه خبرې کول هغه چانس دی چې همدغه دواړو هیوادونه به ورڅخه زیات زیان مومي او کېدای شي چې افغانستان د سارک په ځای د شنګهایي تړون ته خپله پاملرنه زیاته کړي.

متن پیمان امنیتی کابل – واشنگتن ۶

ماده چهاردهم؛ حمل سلاح و استفاده از یونیفورم

.1اعضای نیروها و بخش غیرنظامی نیروهای ایالات متحده هنگام حضور در افغانستان طبق این قرارداد، می‌توانند به منظور اجرای وظایف و مطابق اوامر صادره، با خود سلاح حمل کنند. مقامات نیروهای ایالات متحده هنگام صدور دستور حمل سلاح، دیدگاه‌های مسئولین مربوطه افغان در مورد محل‌های مناسب برای حمل سلاح را با درنظر گرفتن مصونیت عامه در نظر می‌گیرند. با در نظر گرفتن این امر، نیروهای ایالات متحده به مساجد و یا سایر اماکن مقدسه که برای مقاصد مذهبی از آن‌ها استفاده می شوند، به منظور عملیات نظامی وارد نمی‌شوند. اعضای نیروهای نظامی می‌توانند حین حضور در افغانستان یونیفورم به تن داشته باشند. مقامات نیروهای ایالات متحده تدابیر مناسب را برای آگاهی اعضای نیروهای نظامی و بخش غیرنظامی از جمله درباره حمل سلاح در مکان‌های عمومی، اتخاذ می‌کنند.

.2طرفین موافقت می‌کنند که قراردادی‌ها و کارمندان قراردادی ایالات متحده اجازهٔ استفاده از یونیفورم نظامی را در افغانستان نداشته و تنها می‌توانند در مطابقت با قوانین و مقررات افغانستان، سلاح حمل کنند.

-.3قراردادی‌های ایالات متحده که وظیفه ارائه خدمات امنیتی را دارند تابع تمامی قوانین و مقررات افغانستان می‌باشند.

.4بر حسب درخواست هر یک از طرفین، مسائل ناشی از تطبیق این ماده در اسرع وقت از طریق کمیسیون مشترک مورد بررسی و مشورت قرار می‌گیرد.

ماده پانزدهم؛ ورود و خروج

.1اعضای نیروهای نظامی و بخش غیرنظامی ایالات متحده می‌توانند به شکل انفرادی یا گروهی به مکان‌ها و تأسیسات توافق شده مندرج ضمیمه (الف) از طریق محل‌های رسمی مخصوص ورود و خروج مندرج ضمیمه (ب) یا سایر محلات مورد توافق طرفین، با کارت‌های هویتی که از جانب ایالات متحده صادر گردیده، داخل و یا خارج شوند. برای چنین ورود و خروجی، به گذرنامه و روادید نیازی نیست. این افراد از قوانین و مقررات افغانستان راجع به ثبت و کنترل اتباع خارجی معاف می‌باشند.

.2قراردادی‌ها و کارمندان قراردادی ایالات متحده می‌توانند از طریق محل‌های ورود و خروج مندرج بند ۱ همین ماده به افغانستان وارد و یا از افغانستان خارج گردند. در چنین حالتی وجود گذرنامه و روادید مطابق قوانین افغانستان، لازم پنداشته می‌شود. در صورت تقاضای روادید افغانستان از سوی قراردادی‌ها و کارمندان قراردادی این نیروها، روادید صادره دارای اجازه ورود و خروج کثیرالمسافرت بوده و مدت اعتبار آن کمتر از یک سال نمی‌باشد. ادارات ذیربط افغانستان در مورد صدور و یا عدم صدور روادید مورد نیاز تصمیم سریع می‌گیرند. در صورت عدم صدور روادید، این ادارات به شخص درخواست‌کننده و مقامات نیروهای ایالات متحده از تصمیم خویش اطلاع می‌دهند. در حالات استثنائی و در صورت توافق کمیسیون مشترک، افغانستان دستورالعملی را ایجاد می‌کند که بر اساس آن صدور روادید هنگام ورود کارمندان قراردادی ایالات متحده به افغانستان، ممکن گردد.

.3ایالات متحده حق حاکمیت افغانستان مبنی بر تقاضای اخراج هر یک از اعضای نظامی یا ملکی ایالات متحده از افغانستان را به رسمیت می‌شناسد. مقامات نیروهای ایالات متحده تدابیر لازم را برای اخراج فوری این افراد از افغانستان بر اساس تقاضای مقامات ذیصلاح افغان اتخاذ می‌کنند.

.4طرفین توافق می‌نمایند تا دستورالعمل‌هایی را به منظور تطبیق این ماده ایجاد نمایند. کمیسیون مشترک وظیفه دارد تا این دستورالعمل‌ها را در مواقع مناسب مورد بازنگری و بررسی قرار دهد تا به این ترتیب مقامات ذیربط افغان بتوانند مسائل مربوط به ورود و خروج و همچنین تفتیش اسناد اعضای نیروها و بخش غیرنظامی ایالات متحده را طبق احکام مندرج بند ۱ این ماده مورد بازرسی قرار دهند. در صورت لزوم، مقامات افغان می‌توانند فهرست اعضای نیروهای نظامی و بخش غیرنظامی را که به قلمرو افغانستان و به مکان‌ها و تأسیسات توافق شده داخل و خارج می‌شوند، تهیه کنند.

ماده شانزدهم؛ واردات و صادرات

.1نیرو های ایالات متحده و قراردادی‌های آن‌ها.می‌توانند هرنوع تجهیزات، اکمالات، اجناس، تکنولوژی، آموزش و سایر خدمات را به افغانستان وارد، صادر، صدور مجدد، انتقال و یا مورد استفاده قرار دهند. حکم مندرج این بند شامل حال آن عده از فعالیت‌های قراردادی‌ها که ارتباطی با حضور نیروهای ایالات متحده در افغانستان ندارند، نمی‌شود. استفاده از این تجهیزات، اکمالات، اجناس، تکنولوژی، آموزش و سایر خدمات از سوی نیروهای ایالات متحده و یا برای آن‌ها، مستلزم ارائه اسنادی است که نشان دهند این تجهیزات و خدمات برای اهداف یاد شده بوده و برای اهداف خصوصی تجاری مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

.2اعضای نیروها و بخش غیرنظامی آن، قراردادی‌ها و کارمندان غیرافغان این قراردادی‌ها می‌توانند وسایل و کالاهای شخصی خویش را به افغانستان وارد، از افغانستان صادر، صدور مجدد، انتقال داده و یا از آن در این کشور استفاده کنند. مقدار این وسایل و کالاها باید متناسب و مطابق با نیاز شخصی آن‌ها باشد. وسایل شخصی مندرج این بند نباید به افرادی فروخته و یا انتقال گردد که اجازه تورید بدون پرداخت محصول این وسایل به افغانستان را ندارند، مگر اینکه انتقال یا فروش این وسایل مطابق دستورالعمل‌های مشخص علاوه بر پرداخت مالیات یا حق‌الاجرتی صورت گیرد که از جانب کمیسیون مشترک در مورد چنین معاملات تعیین شده باشد.

.3مقامات نیروهای ایالات متحده یکجا با مسئولین ذیصلاح افغان اقدامات لازم را برای جلوگیری از خارج شدن اموال و یا اشیای دارای اهمیت تاریخی یا فرهنگی از افغانستان اتخاذ می‌کنند. همچنین مطابق حکم شماره (۱) فرماندهی مرکزی نیروهای ایالات متحده، اشیایی مانند الکل، تصاویر و فیلم‌های مستهجن، مخدرات غیرقانونی، اسلحه شخصی و سایر اجناس که از جانب طرفین ممنوع قرارداده شده، نمی‌توانند، طبق احکام مندرج بند ۱ و ۲ این ماده وارد گردند.

.4تورید، صدور، صدور مجدد، انتقال و استفاده از اشیایی که به تأسی از بندهای ۱ و ۲ این ماده به افغانستان آورده می‌شوند تابع تعزیرات مانند اخذ جواز، بازرسی، پرداخت مالیات و سایر عوارض گمرکی و محصولی نمی‌گردد که از جانب حکومت افغانستان در قلمرو این کشور وضع شده است، مگر اینکه این ماده طور دیگری حکم نماید. هرگاه مقامات ذیصلاح افغان بر سوءاستفاده از امتیازات مندرج بند ۲ این ماده از جانب قراردادی‌های ایالات متحده و کارمندان قراردادی آن‌ها مشکوک شوند، این مقامات حق دارند اموال و اشیای شخصی مشکوک را که از طریق فرودگاه‌های غیرنظامی افغانستان و یا ذریعه وسایط شخصی از طریق بنادر مرزی وارد و یا خارج می‌شوند، مورد تفتیش و بازرسی قرار دهند.

.5مقامات ذیصلاح افغانستان حق بررسی تمامی کانتینرهای حاوی اجناسی را دارند که توسط قراردادی‌ها و کارمندان قراردادی ایالات متحده به مقصد استفاده رسمی این نیروها و یا مقاصد شخصی مجاز در بندهای ۱ و ۲ این ماده به افغانستان وارد می‌گردد. در صورتیکه مقامات ذیصلاح افغان معلوماتی را مبنی بر سوءاستفاده قراردادی ایالات متحده از بندهای ۱ یا ۲ این ماده به مقامات نیروهای ایالات متحده ارائه می‌دارند، مقامات این نیروها مکلف اند بدون هیچ گونه تأخیر ناموجه کانتینر و یا محموله‌های مشکوک را در حضور مقامات افغان باز کرده و آن را مورد بازرسی قرار دهند. مقامات افغان مقررات امنیتی نیروهای ایالات متحده را در نظر گرفته و در صورت تقاضای آن‌ها، اجازه می‌دهند تا این بررسی در داخل مکان‌ها و تأسیسات توافق شده و یا مکان دیگری که مورد توافق طرفین باشد، انجام شود.

.6بر مبنای اهداف مشترک با افغانستان برای جلوگیری از ورود غیرمجاز اموال نیروهای ایالات متحده به بازارهای افغانستان که طبق این قرارداد به منظور استفاده این نیروها وارد شده است، مقامات این نیروها اقداماتی را با هدف جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از صلاحیت و مجوز مندرج بند (۱) و (۲) این ماده، اتخاذ می‌کنند. همچنین، این مقامات با مسئولین ذیصلاح افغان در انجام تحقیقات و جمع‌آوری مدارک برای اثبات فعالیت‌های مشکوک در رابطه با تورید، صادر، صدور مجدد، انتقال یا جابجائی اموال توسط اعضای نیروهای نظامی و بخش غیرنظامی آن، قراردادی‌های ایالات متحده و کارمندان قراردادی‌شان، همکاری می‌کنند.

.7مواد و وسایلی که به افغانستان وارد شده و یا به تأسی از حکم این ماده خریداری شده‌اند، می‌توانند با رعایت قوانین و مقررات افغانستان از استفاده خارج (و یا باطل) گردند.

.8بر حسب درخواست یکی از طرفین، مسائل ناشی از تطبیق این ماده باید توسط طرفین در اسرع وقت و از طریق کمیسیون مشترک مورد بررسی و مشورت قرار گیرد.

ادامه دارد

از رنجهای که مردم دیده اند...

□ فقیری

ما با دو صاحب منصب نظامی همسایه ایم. الحاج احمدالله از افسران متقاعد اردو است که در رژیم های کودتایی خلق و پرچم نیز خدمت کرده است. او مرد مسلمان و با شخصیتی است که هرگاه من روانهٔ مسجد می شوم، با او همراه می گردم و یا اکثر هنگام خروج از مسجد، با هم به سوی منزل همراه می شویم.

همسایهٔ دیگر ما پیلوت هوایی، آقای انوری است که اکثر روزها او نیز با ما همراه به مسجد می رود و این جوان سالمند شده دارای ریش کوتاه و مانند الحاج یاد شده دارای محاسن است.

این دو از نمونهٔ افراد نظامی در رژیم های کمونیستی اند که هنوز مومن و به عبادات اسلامی پابند و در عین زمان دارای خاطره هایی از رژیم های الحادی گذشته اند!

طرز دید مجاهدین:

مجاهدین و رهبران تنظیم های جهادی در مورد کارمندان رژیم های الحادی، موقف واحدی نداشتند و هر کدام در مورد این افراد نظری و قضاوتی جداگانه داشتند: بعضی از تنظیم ها که قوت مردمی بیشتر داشتند و صاحب جبهات بودند و مجاهدین شان از مرکزیت دستور می گرفتند، پابند یک سلسله اصول و مقررات بودند و بعضی دیگر که اکثر قوماندان ها از این قبیل بودند، به رای و نظر شخصی خود اجراأت می کردند. گرایش های زبانی و قومی در سالهای نخست جهاد، به طور کلی در میان مجاهدان و رهبران جهادی وجود نداشت و حتی که بیشترین مخالفت با افراد قوم و زبان و منطقهٔ خود داشتند... در سالهای اخیر گرایش های قومی و زبانی و منطقه ای رژیم کابل به مجاهدان و تنظیم های نیز سرایت کرد و هنگام سقوط نجیب، به طور عام رواج یافت و سفارت های خارجی نیز در پشاور و کویته، شورا های قومی را تقویت می کردند و با آنها مساعدت می نمودند!

دید افراطی: گروهی از قوماندان ها و یا مجاهدان که دید افراطی داشتند و عمدتاً به گروه های در میان تنظیم ها وابسته بودند (نه اکثریت و نه اقلیت) همه کارمندان رژیم کابل را قابل مجازات می دانستند و به ویژه بر عساکر و افسران اردو بی رحم بودند. اکثر حوادث کشور و قتل ها به خصوص در مسیر راه ها، عمدتاً توسط این قوماندان ها و افراد صورت می گرفت.

اما دو تنظیم یا حزب به اصطلاح اکثریت (جمعیت و حزب) که در داخل اردو کار می کردند و هوس هایی برای گرفتن قدرت دولتی از طریق اردو را داشتند، در این مورد نیز به صورت مقایسه یی محتاط بودند.

چه بسا افسران و سربازان و حتی مامورین و معلمان که در مسیر راه ها و یا در قریه ها به دست افراد مجاهد و به جرم کار در رژیم کابل، ترور می شدند! غافل از اینکه اکثر این افسران و مامورین و معلمان از طرفداران مجاهدین و عمداً مخالف رژیم بودند!

ما زمانی به رنج ها و درد های این افسران و معلمان متوجه می شویم که وضع شان را از خودشان بپرسیم و حالت رنجبار شان را حکایه کنند تا به میزان درد و رنج بخشی از مردم و فشار در تحت رژیم خود کامه و یک حزبی، آگاه گردیم!

زمانی که با این رنجدیدگان به تفصیل صحبت می کنیم و از رنج آنان آگاه می شویم، پس می پرسیم:

شما نماز های پنهانی می خواندید، شما که روزه ها را مخفی و دور از نظر ملحدان می گرفتید و در این رنج و عذاب بودید پس چرا هجرت نکردند؟

می گویند: مشکل خانوادگی داشتیم، مادر بیمار که توان سفر را نداشت و... در مهاجرت چگونه زندگی خواهیم کرد؟

معاش و یا عواید غیر معاش و حاصلات زمین ما چگونه خواهد شد؟

در رژیم های کودتایی از تره کی تا نجیب، وضع در حال دگرگونی است و هر لحظهٔ امید به بهتر شدن اوضاع می گردد و...

این افراد، زمانی که در مسیر راه ها و یا زمان اقامت در دهکده ها، مورد هجوم افراد مسلح چه وابسته به یک تنظیم و یا منسوب به آن، قرار می گرفتند، بدون شک که به حیث کارمند رژیم الحادی کشته می شدند اما قاتلان بی خبر بودند از: ایمان و ارادهٔ این افراد مقتول، که مخالف رژیم الحادی بودند و به مصداق آیهٔ شریفه: چرا در راه نجات مستضعفین از مردان و زنان و کودکان اسیر در چنگ دشمنان دین خدا، جهاد نمی کنید...

پس از کدام رنج ها صحبت کنیم، از رنجهای بی شماری که مردم ما در طول سالیان دراز رژیم های کودتایی کشیده اند و امروز نیز کودتاچیان دیروز با افتخار و سربلندی از برنامه های بشر دوستانهٔ خویش صحبت می کنند!!

لعنت و یا آفرین بر این دموکراسی!

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

اول قوس:

• ولسوال نام نهاد طالبان برای ولسوالی لعل و سرجنگل ولایت غور از سوی نیروهای پولیس دیروز بازداشت شد. سخنگوی سرپرست والی غور به رسانه ها گفته است که سید محمد حسینی ولسوال نام نهاد طالبان برای ولسوالی لعل و سرجنگل که مصروف طرح ریزی یک رشته پلان های تخریبی در مربوطات آن ولسوالی بود، از سوی نیروهای پولیس به همکاری مردم گرفتار شد.

• جنرال ذبیح الله آمر امنیت قوماندانی امنیه ولسوالی بهسود ولایت ننگرهار در نتیجۀ انفجار ماین بامداد امروز زخمی شد. دراین انفجار برادر این مقام پولیس شهید شد و دو عضو دیگر خانواده اش زخم برداشت. این رویداد در ساحۀ موسوم به پمپ تیل نشترباغ شهر جلال آباد هنگامی رخ داد که موتر حامل از ساحه می گذشت.

۲قوس:

• در خبرنامۀ وزارت امور داخله آمده است، یک فرد انتحاری در میدان مسابقۀ والیبال در منطقۀ غیبی خیل ولسوالی یحیی خیل ولایت پکتیکا مواد انفجاری حامل خود را حوالی ساعت ۴:۳۰ عصر امروز (یکشنبه) منفجر ساخته که در نتیجه این رویداد غم انگیز به تعدادی ۴۵ تن از اهالی محل به شمول محاسن سفیدان، جوانان و اطفال شهید و به تعداد ۵۶ تن دیگر مجروح گردیده اند. قابل یاد آوریست که مسابقۀ والیبال میان دو ولسوالی، خیرکوت و ولسوالی یحیی خیل بدون هماهنگی پولیس ملی راه اندازی گردیده بود که فرد انتحاری از موقع استفاده نموده که در بین اشتراک کننده گان و تماشاچیان مواد حامل خود را منفجر نموده که باعث شهادت و مجروحیت هموطنان ما گردید.

در همین ارتباط در خبرنامۀ ریاست عمومی امنیت ملی آمده است، این حمله ناجوانمردانه باعث شهادت حدود ۵۰ تن و جراحت بیشتر از ۶۰ تن از هموطنان مظلوم ما گردید. طراحان این حمله قاری عمری و ملا رحیم الله مشهور به ملا کبیر هستند و شخص انتحاری هلاک شده اسماعیل نام داشت. ملا کبیر پسر کریم خان باشندۀ اصلی همین قریۀ غیبی خیل است که حمله در آن راه اندازی گردیده است.

۳قوس:

• در اثر انفجار ماین کنار سرک صبح امروز در ناحیۀ نهم شهر کابل در منطقۀ قابل بای، یک فرد ملکی زخمی شد. به گفتۀ سخنگوی قوماندانی امنیۀ کابل به رسانه ها، هدف این انفجار کاروان نیروهای خارجی بود که از ساحه می گذشت،

• دو طالب مدرسه بر اثر انفجار راکت در ولایت نیمروز بامداد امروز شهید و یک تن دیگر زخمی شد. ولسوال خاشرود نیمروز به رسانه ها گفته است، این انفجار درشهر خاش مرکز ولسوالی خاشرود زمانی رخ داد که دانش آموزان یک مدرسه دینی با سر گلوله هاوان مصروف بازی بو دند.

• به قول رسانه ها، ولسوال نام نهاد طالبان برای ولسوالی بره کی برک دیشب در نتیجۀ عملیات هوای نیروهای ائتلاف کشته شد. سخنگوی ولایت لوگر گفته است، قاری عبیدالله که مسوولیت ولسوالی بره کی برک را به عهده داشت در نتیجۀ عملیات هو ائی نیروهای ائتلاف در قریۀ شاه مزار با دو تن از افرادش کشته شد .

• دفتر مطبوعاتی وزارت امور داخله به رسانه ها گفته است، طی عملیات های که در مربوطات ولایت های زابل، میدان وردک، قندز، تخار، بغلان، ننگرهار، نورستان، لوگر و هملند از سوی نیروهای امنیتی راه اندازی گردیده بود، در نتیجه چهل هراس افگن کشته، پانزده تن زخمی و یازده تن دیگر آنها بازداشت و مقداری جنگ افزار سبک و سنگین بدست آمده است.

۴قوس:

• بقول رسانه ها، نظامیان امریکایی تائید کرده اند که در انفجار دیروز در کابل، دو سرباز اردوی این کشور کشته شده اند. براساس گزارش ها، یک بمب دست ساز واسطۀ این نظامیان را پیش از چاشت دیروز در ناحیۀ نهم کابل هدف قرار داد، که یکی از کشته شده ها افسر نظامی و دومی اش سرباز اردوی امریکا بوده است.

• سخنگوی قوماندانی امنیۀ کابل به رسانه ها گفته است در اثر انفجار در مربوطات حوزۀ ششم امنیتی شهر کابل شش تن از منسوبین اردوی ملی زخمی شدند. این انفجار حوالی ساعت ۷ صبح امروز بالای بس کاستر منسوبین اردوی ملی صورت گرفته است. اما سخنگوی وزارت دفاع ملی، زخمی های این رویداد را هفت تن گفته است.

• در انفجار ماین کنار سرک در ولسوالی محمد آغۀ ولایت لوگر سه پولیس کشته و یک تن دیگر زخمی شده است. قوماندان امنیۀ ولسوالی محمد آغه به رسانه ها گفته است که، این رویداد حوالی ساعت ۸ صبح امروز در قریۀ لشکری خیل رخ داده است. به گفتۀ وی، افراد مسلح ناشناس صبح امروز محمد نبی یکی از بزرگان قومی را نیز در همین منطقه به قتل رسانده اند.

۶قوس:

• در اعلامیۀ قوماندانی امنیۀ ولایت کابل آمده است، دها تن را به اتهام انجام جرایم مختلف جنایی همچو قتل ،سرقت های منازل و وسایط از نواحی مختلف شهر کابل دستگیر کرده است. در جریان یک هفته اخیر ۵۱ واقعۀ مختلف جنایی در شهر کابل به وقوع پیوسته است، که در پیوند به آن پولیس کابل ۷۲ تن را بازداشت کرده است. این واقعه ها در مربوطات حوزه های ۱۵،۸،۶،۴ رخ داده است.

• در اعلامیۀ قوماندانی امنیۀ ولایت کابل آمده است، حوالی ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه قبل از ظهر امروز یک حمله کننده انتحاری سوار بریک واسطه نوع کرولا مملو از مواد انفجاری یک واسطۀ فرونر اتباع خارجی را در سرک کابل – جلال آباد منطقۀ قلعۀ وزیر مربوطات حوزۀ نهم امنیتی پولیس شهر کابل هدف قرار داد که در نتیجه آن یک تبعۀ خارجی (بریتانیوی) کشته و ۴ تن از افراد ملکی بیگناه شهید گردیدند و به شمول ۴ طفل ۳۳ تن دیگر مجروح شدند.

• مهاجمان نهاد "آی آر دی یا آسایش جهانی" را آماج حمله انتحاری و تهاجمی قرار دادند این ساختمان در سرک ۱۵ محله وزیر اکبرخان موقعیت دارد. در این رخ داد یک شهروند نیپالی که محافظ بود مجروح گردید. به گفتۀ سالنگی به رسانه ها، دو تن از مهاجمان از پا در آمدند.

•

په هیواد کې د بې کیفیته...

خولۍ او جبه اغوستلو) ته خوښ اوسي مگر د خپل ضمیر په وړاندې ځان ددې محاسبې څخه لېرې گڼي؛ چې آیا د فراغت د سند لرلو ظرفیت او پوهه هم لري او که نه؟ او که د همتونو د تېتوالي، تساهل او ځانونه سختي ته نه ورکولو لامله یواځې د نمایش او فرمایش پیروان اوسي.

که ځوان نسل د خپلې ځوانۍ د نشې لامله دي، حقیقت ته نه متوجه کېږي نو د ټولنې مخوره طبقه او له ټولو مخکې دولت د دې مسوولیت لري چې یوازې په کمیت اکتفاء ونشي، بلکې په کیفیت ښه کولو پانگونه وشي. خو چې خبره له خانه ورانه شي نو گیله به له چا وشي!! پدې هیواد کې په لوړو ځوکیو هغسې خلک گمارل کېږي چې هغوی لازمې وړتیاوې، تحقیقي علوم او په خپل مسلک کې هر اړخیزه پوهه نلري، نو د لاس لاندې خلک به یې هم همداسې اوسي.

په ازموینو کې موجود تساهل، د زده کړو او تحصیل په دوره کې ناسوبتیا او د فیس ورکولو کریډت هغه څه دي چې د لوړزده کړو خصوصي اداري خو یوازې دوکانونه گرځېدلي دي، نه ښوونیز مرکزونه. او چې فیس ورکولی کېږي، ناکامي او محرومي هېڅ وجود نلري نو پدې اړه د چارواکو مرگوني چوپتیا او ضمیر ته ځواب نه ویل هغه څه دي چې د افغان ولس راتلونکی یې لکه د اوس په څېر د تیارې سره مخ کړی دی.

تېره اونۍ د اداري فساد په وړاندې د څارنې او مبارزې گډې خپلواکې کمیټې راپور هم لدې حقیقت پورته کړه، خو د رسنیو نامطلوب ډېرښت پدې هیواد کې مهم او نامهم خبر هم ورک کړېدی او لامله یې اوس د نېوکو او حقیقت ویلو په وړاندې د دولتي مسوولیتو معافیت، حقیقت بیانول او چارواکو ته د هغوی نیمگړتیاوې په گوته کول هم، لکه په هدیره کې آذان گرځېدلی دی.

الله دې پدې ولس ورحمیږي، څو د هغه جل جلاله د فضل له مخې د بدلون سبا راوخیژي، ورنه پدې خاوره کې د زر او زرو واکمنۍ ارزښتونه لوټلي، غوړونه کانه کړي، زړونه رانده کړي او ضمیرونه ویده کړیدي!!

امنیتي تړون او ورسره مل د نا امنۍ پرله پسې پېښې

□ زهیر

افغان ولس داسې یو حالت ته گرځېدلی چې هغه د یو خوا ډانگ او بلخوا پړانگ کانه پرې شوې ده؛ که وغواړي چې ځان د سیمې د دښمنانو له شومو ارادو خلاص کړي او له هغه چا څخه د مرستو غوښتونکی شي چې د سیمه ایزو دښمنانو د کنترول ځواک لري، نو ورسره د نا امنۍ پېښې ډېرېږي او که وغواړي چې د سیمه ایزو گاونډیانو سره د اړیکو د ښه والي په نیت پول وغځوي، نو هم ورسره مل د گاونډیانو لخوا د خولې او عمل ترمینځه توپیر په خوړه دپلوماسۍ او انفجارونو ترسره کولو برملا کېږي.

د نوي حکومت د رامینځته کېدو سره سم د پاکستاني چارواکو لخوا کابل ته د سفرونو پر مهال ولسمشر غني ته دغه هیواد ته د سفر کولو بلنې ورکولو په ځواب کې چې کله د ولسمشر غني دوه ورځنی سفر پای ته ورسیده نو له یوې خوا امریکا ته د راحیل شریف له سفر وروسته د سرتاج عزیز او پرویز مشرف داسې بیانونه رامینځته شول چې د پاکستان د زړې پالیسۍ ترجماني یې کوله او له بلې خوا د انفجارونو لړۍ هم بنده نشوه. او چې کله د ولسي جرگې لخوا له امریکا سره لاسلیک شوي یو داسې امنیتي تړون ته د تائید رایه ورکړل شوه نو څلور ساعته وروسته ورځخه د پکتیکا ولایت په یحیي خیلو سیمه کې یوه داسې دردونکې پېښه رامینځته شوه چې په پایله کې یې ځمونږ له ۵۷ هیوادوالو څخه (چې پکې معصوم کوچنیان هم شامل وو) ژوند واخستل شو او له دې ډېره شمیره ټپیان شول او له دغې بېرحمانه پېښې وروسته د هیواد په گڼو ولایتونو او کابل کې هم ځینې نورې د انفجاراتو پېښې رامینځته شوې چې د افغان واکمن نظام لپاره ستړې ننگونې دي.

خو پوښتنه دا ده چې که مخالفین د افغان دولت سره جگړه خپل حق گڼي نو د ناامنیو دا ډول پېښې، آیا د دولت سره دښمني ده او که د ټول افغان ولس سره؟ ځکه جگړه خو هم خپل آداب او قوانین لري؛ چې باید ملکي وگړي او په ځانگړې توگه بې دفاع وگړي لکه ښځې او ماشومان پکې و نه وژل شي مگر د یحیی خیلو په پېښه کې خو (چې د ولیبال لوبې ته راغونډ شوو وگړو باندې ترسره شوه) ډېری وگړي ملکي کسان او معصوم کوچنیان وو.

او هم د افغان دولت څخه پوښتنه دا ده چې د نا امنیتي پېښو د مخنیوي لپاره چې ولسمشر غني ویلې وو چې دوی به یوه موثره کړنلاره رامینځته کړي، هغه کومه کړنلاره ده او کله به عملي شي؟ او دا چې د یو لک او دېرش زرو بهرنیو ځواکونو د شتون پرمهال د افغانستان امنیتي وضع له یوې ورځې څخه بلې ته خرابه شوه نو اوس د نهه زرو یا لس زرو (چې زر تنه نورهم اوباما ور زیات کړل) شمیر کې موجود ځواکونه به څنگه وکولای شي چې د نا امنیو پېښې کمې کړي او افغان ولس لدې ناورین څخه خلاص کړي؟ او له بلې خوا د سولې اړتیا چې د افغان ولس نوي سلنه خلکو په خپو احصائیو کې په گوته کړې ده. څنگه به موثره شي چې د سولې په لیار کې د طالبانو لخوا وړاندې شوی بنیادي شرط (چې د بهرنیو ځواکونو وتل دي) متحقق شي او د امنیتي تړون د لاسلیک کولو څخه یوه ورځ وړاندې لا د اوباما لخوا د یو نوي فرمان په لاسلیک کولو سره د یو بل کال لپاره هم امریکایي پوځونو ته د تېر په څېر د نظامي عملیاتو ترسره کولو اجازه ورکړل شوه.

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم -سال سیزدهم - شمارهٔ ۳۱ ۸ قوس ۱۳۹۳ ۶ صفرالمظفر ۱۴۳۶ 29 Nov 2014

په هیواد کې د بې کیفیته دواګانو شتون او د علاج نشتوالی



ن ـ شفیق

د تېرو دیارلسو کلونو په اوږدو کې، که له یوې خوا افغانان د ناامنیو څخه سرټکوي او سوکاله ژوند ورڅخه کډه اخستی ده، نو له بلې خوا د اداري فساد د پراخه شتون او ناسالمې واکمنې لامله د ریښتوني حاکمیت څرک نه لګیږي؛ د دې ادعاء یو ثبوت دا دی چې د یو اعشاریه دوه ملیونه جریبه په شاوخوا کې دولتي ځمکې د زور واکانو لخوا غصب شوې دي، چې ډېره برخه یې د لوړ پوړو چارواکو لخوا او یا د دوی په ډاډ غاصبینو غصب کړیده. او بل ثبوت یې د بازار د اقتصاد له برکته دې هیواد ته دواردیدونکو توکو نه کنترول دی؛ پدې لړکې یوهم د بې کیفیته د واګانو راتګ دی، هغه چې له پاکستان څخه د شاوخوا درې سوه وو خصوصي شرکتونو لخوا پرته د کیفیت لرنی اصل په نظر کی نیولو سره کابل او د هیواد ګوټ ګوټ ته واردیږي.

په ظاهره خو پدغو دواګانو د ثبت شوو شرکتونو مهرونه او مارکې لګیږي خو کیفیت یې دومره ټیټ وي چې پرې د لیکل شوې بیې لسمه برخه ارزښت هم نلري. او له دې سربېره بیا د هیواد دننه درملتونونه یې د پرې لیکل شوي کلداري قیمت پرځای په همغومره افغانیو پلوري کوم قیمت یې چې په کلدارو لیکل شوی وي او پرې د ټیکس راتګ په پلمه یې په دوه برابره قیمت پلوري. خود اداري فساد د پراخه شتون لامله دا اړخ هم د دولت له څارنې څخه خالي دی.

هسې خو د عامې روغتیا وزارت لخوا اړوند جهت د څارنې ادعاء لري خو په حقیقت کی په هر ښار، ولسوالۍ او کلي کې له اړتیا څخه د زیاتو درملتونونو شتون پخپله د دې ثبوت دی چې د دوا کاروبار کولو کې د ډېرې ګټې شتون، ولس دی کارته هڅولې دي او ځینې ظالمان خو بیا تاریخ تېرې دوا ګانې هم پلوري، چې لامله یې ناروغانو ته هیڅ ګټه نه رسوي.

همدارنګه د کانکورونو په بهیر کې د اداري فساد شتون او د لوړوزده کړو په خصوصي ادارو د دولت سمبولیک نظارت هم د دې لامل کیږي چې په ریښتوني معنا ډاکټران ټولنې ته وړاندې نشي، چې لامله یې یو عادي ناروغ هم پاکستان، هند او نورو هیوادونو ته د علاج لپاره تګ ته اړ کیږي او د دیارلسو کلونو په دوران کې پدې اړخ کې هیڅ څه ښه والی رانغی او له بلې خوا د ځمکې له لیارې دغه سفرونه بل هغه کړاو دی چې کله خو ناروغ په وخت علاج ته نه رسیږي او کله خو د راستیندو په مهال ورپیښیدونکی ستړیا او د سفر تکلیف یې شوی علاج او په ځانګړي توګه عملیاتي علاج بابېزه ګرځوي.

د تحقیقی علومو او په ریښتوني توګه د زده کړو او تجربه لاسته راوړلو په اړه خو نن سبا ټوله نړۍ کې همت او زیار ګاللو پرځای چل ول، فریب او ځانونه غولول عام رواج ګرځیدلی دی خو د افغانی ټولنې د وګړو له نمایش او فرمایش سره مینه د دې لامل شوې چې که ډاکټر وي او که د هر مسلک اړوند پوهنځي څخه یو فارغیدونکی ځوان ددې پرځای چې مغز کې څه ولري، یوازې په ظاهري فیشن او نېکتایي یا د فارغیدلو نښه (چترۍ) شکله

۷مخ

فساد ساختاری در نظام سیاسی افغانستان

□ تکساری

امروز نخبه گان افغانستان، به این نتیجه رسیده اند که در افغانستان یک نوع فساد ساختاری وجود دارد و تا وقتی این ساختار اصلاح نگردد، ما شاهد یک نظام سالم در کشور نخواهیم بود. در نظام ریاستی افغانستان رئیس جمهور در راس هر سه قوه قرار دارد. دولت سه بخش دارد، بخشی اجراییه و یا حکومت، بخشی مقننه و یا قانونگذاری که پارلمان آنرا تمثیل می کند و بخشی قضاء که مشکل حقوقی میان مردم و دولت و مردم را حل و فصل می نماید.

امروز در قانون اساسی افغانستان رئیس جمهور از چنان صلاحیت های بالایی برخورد دار است در حالیکه در نظام متکی بر دموکراسی اصل مهم تفکیک قوا و تقسیم قدرت وجود دارد، تقسیم قدرت برای آنکه فساد جامعه را فرا نگیرد. از نظر سیاست های مدرن، قدرت خود فساد را در آستین دارد و آن تمرکز قدرت در دستان یک شخص می باشد. همانگونه که شاه در قانون اساسی ۱۳۴۳ مصون است و در قانون اساسی جدید کشور رئیس جمهور از چنین مزایای برخورد دار است و فقط در صورت مرتکب شدن به خیانت ملی و آنهم در نتیجهٔ توافق دو ثلث اعضای پارلمان رئیس جمهور بعد از تشکیل لویه جرگه به وسیلهٔ یک کمیتهٔ خاص مورد مواخذه قرار می گیرد، چیزی که اصلاً عملی نیست.

یک چنین صلاحیت های بیش از حد آرام آرام پس از سال های نخستین دورهٔ ۱۳ سالهٔ گذشته افغانستان را در سطح بلند ترین فساد پیشه گان جهان معرفی کرد. امروز تمام نهاد های دولتی به یک بازنگری و اصلاح نیاز جدی دارد، از کمیسیون های انتخابات و شورا های ولایتی گرفته، تا ادارات موازی. امروز یک سلسله ادارات موازی در کشور وجود دارد، که فقط وظیفهٔ آنها یکنوع اخلال و مغشوش ساختن اذهان عامه است. چندین نهاد مبارزه با فساد وجود دارد، معینیت های موازی در وزارت ها به هدف مبارزه با کاهش مواد مخدر موجود است که هیچکدام دست آورد کلان و آنچنانی نداشته اند.

نظر به قانون اساسی کشور، باید یکنوع توسعه و رشد موازی در تمام ولایات رویدست گرفته می شد و جای داشت که به ادارات کمتر رشد یافته، رسیده گی صورت می گرفت، که ظرف ۱۳ سال گذشته به آن رسیده گی صورت نه گرفته است. امروز دشواری های زنده گی از گذشته نیز بدتر گردیده است. این فساد ساختاری در دستگاه دولت، بر میزان نا آرامی مردم افزوده و مخالفان دولت تا دروازه های شهرهای بزرگ خود را نزدیک ساختند.

اگر هرچه زودتر به اصلاحات گسترده در داخل کشور پرداخته نه شود، کشور به سوی یک آیندهٔ موهوم به پیش خواهد رفت. چند سال قبل تانک های امریکایی چندین عراده موتر شهروندان را در شهر کابل زیر گرفت و تعدادی از شهروندان کشته شدند، و هیچکس جرئت آنرا نداشت که از امریکایی بپرسد که چرا به چنین اعمالی دست زده اند. به گفتهٔ حکومتی ها، اکنون که در توافقنامهٔ سیاسی و امنیتی میان امریکا و افغانستان آمده است، برای امریکایی ها مصونت قضایی داده شده و محاکم افغانستان قادر نیست، از این نوع حرکات غیر انسانی آنها پرس و پال نمایند؛ زیرا در توافقنامه این نوع اعمال امریکایی مربوط به محاکم امریکایی می باشد. این ها و ده ها موارد دیگر وجود دارد که فساد را در کشور دامن می زند و موجبات بی امنیتی و بی ثباتی و نبود یک ادارهٔ سالم را به همراه دارد.

پیش از آنکه به کارهای کوچک پرداخته شود، جای دارد که ساختار نظام سیاسی از این حالت بیرون آورده شود، تا احاد مردم افغانستان در سایهٔ یک نظام صالح و عادل به زنده گی خود بپردازند. حکومت پاسخگو مستلزم اصلاحات دامنه دارد در نظام سیاسی و تشکیلاتی دولت است. هر قدر نظام سیاسی به متن جامعه نزدیک گردد، به همان تناسب مردم از مفاد آن سهم خواهد برد. امروز یک بحران سراسری در کشور وجود دارد و در صورتیکه حکومت وحدت ملی بتوانند این بحران را مدیریت نماید، می تواند به یک حکومت پاسخگو و مردم سالار تبدیل گردد.



سارک فرصتی برای همکاری های منطقه‌ای

□ اندیشه

طی روزهای اخیر رئیس جمهور محمد اشرف غنی برای شرکت در هجدهمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های منطقهٔ جنوب آسیا (سارک) به کشور نیپال رفت. اجلاس سران سارک از نشست های مهم منطقهٔ همه ساله در یکی از کشورهای عضو سازمان همکاری‌های جنوب آسیا برگزار می‌شود.

ص۳